

جایگاه و زمانه فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفه اسلامی

(با تأکید بر حاشیه او بر شرح هدایه میبدی)^۱

طاهره سادات موسوی^۲؛ مهدی نجفی افرا^۳؛ مقصود محمدی^۴

چکیده

یکی از ضروریات تحقیق، احیای آثار اندیشمندان و حکمایی است که در تاریخ تطور و پیشبرد فرهنگ و معارف اسلامی نقش اساسی داشته‌اند ولی تاکنون بصورت یک حلقه مفقوده و مغفوله ناشناس مانده‌اند. فخرالدین سماکی معروف به محقق فخری، از جمله این حکماست که در قرن دهم هجری میزیسته است. وی شاگرد غیاث‌الدین منصور دشتکی است. از سماکی آثار قلمی مهمی چون: حاشیه بر شرح تجرید قوشچی و حاشیه بر شرح هدایه الحکمه میبدی بجای مانده است.

متن هدایه الحکمه تألیف اثیرالدین ابهری، شامل سه قسم منطق، طبیعیات و الهیات است. میبدی بر دو قسم طبیعیات و الهیات آن شرح

۱۰۳

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

t.hmousavi@yahoo.com

۳. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)؛ mah.najafiafra@auctb.ac.ir

۴. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ mmohammadi@kia.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۶



نگاشته و سماکی تنها بر دو فن اول و دوم از فنون سه‌گانه طبیعیات شرح هدایة الحکمة میبیدی حاشیه زده است. سماکی اگرچه مانند ابن‌سینا و سهروردی، بنیانگذار مکتب خاصی نبوده ولی با بیان نقد و بررسیهای دقیق و اظهارنظرهای خاص خود در موضوعات مورد بحث از منظر متکلمان و مشائیان و اشراقیان و عرفا، در قالب آثار مستقل و غیرمستقل (شرح و حواشی) و با ارائه دیدگاههایی بدیع توانسته - بعنوان حلقه واسط - نقش مهمی در تطور تفکر فلسفی بطور کلی ایفا کند و الهامبخش صدرالمتألهین شیرازی در ظهور حکمت متعالیه نیز باشد. از جمله این دیدگاهها، تقریر متفاوت برهان سلمی و ابداع سه برهان دیگر در باب اثبات تناهی اجسام است که در این نوشتار بدان پرداخته شده است.

کلیدواژگان: فخرالدین سماکی، حاشیه شرح هدایة الحکمة، تناهی اجسام،

برهان سلمی.

* * *

مقدمه

برای سنجش غنای ارزش فرهنگی هر ملتی، معیارها و شاخصهایی وجود دارد که دارای ارزش یکسانی نیستند. آثار مکتوب یا نسخه‌های خطی، از جمله مهمترین شاخصها و معیارهای ارزیابی، غنا و عمق و اصالت فرهنگی یک ملت است که اگر ارزشی بالاتر از سایر شاخصها و معیارها نداشته باشد، کمتر از آنها هم نیست.

خوشبختانه از اندیشمندان و صاحب‌نظران پیشین ما آثار بسیار ارزشمندی

^{۱۰۴} - بویژه در حوزه علوم عقلی - برجا مانده است که حاکی از پیشرفت علم و تمدن درخشان این سرزمین است. متأسفانه تعداد قابل توجهی از این آثار ارزشمند هنوز نیز بصورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها مانده و منتشر نشده است. وجود این نسخه‌های خطی بسیار در کتابخانه‌ها، علاوه بر اینکه گواهی است بر اعتبار و ارزش والای فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، مسئولیت خطیری



را بر دوش همه اهل علم، بویژه نسخه‌پژوهان و مصححان قرار میدهد تا در احیای و انتشار این گنجینه‌های عظیم، تلاش وافر نموده و در حد توان، از این راه، دین خود را به فرهنگ و ادب اسلامی - ایرانی ادا نموده و از این طریق راه دستیابی اهل علم به این آثار ارزشمند را آسان سازند. ما با احیای این آثار میتوانیم اندیشه‌های حکمای پیشین را بهتر بشناسیم و نقش آنها را در تطور فلسفه اسلامی بررسی کنیم.

حجم مطالبی که در کتب تاریخ فلسفه اسلامی به بیان اندیشه‌های سه حکیم مسلمان، یعنی شیخ‌الرئیس، شیخ‌اشراق و صدرالمتألهین، بعنوان ارکان اصلی و بنیانگذاران سه مکتب مشاء و اشراق و متعالیه اختصاص یافته در نسبت با سایر حکمای اسلامی قابل مقایسه نیست. بخش زیادی از این امر باتوجه به اینکه این سه حکیم تأثیر قابل توجهی در فلسفه اسلامی داشته‌اند، قابل قبول و توجیه است، ولی بخش دیگر بنظر میرسد ناشی از عدم دسترسی آسان پژوهشگران و مورخین به دیدگاههای حکمایی باشد که هنوز آثار آنها بصورت نسخ خطی در کتابخانه‌ها نگهداری میشوند، بدون اینکه بصورت متنی منقح و چاپی در خور، در دسترس باشند.

اندیشه‌های حکمای مکتب شیراز که در تحول فلسفه اسلامی و پیدایش حکمت متعالیه تأثیر غیر قابل تردید داشته و اغلب آنها بصورت شروح و حواشی بر کتب قدما نوشته شده‌اند، بعنوان حلقه مفقود و مغفول تاریخ فلسفه اسلامی، در زمره این قبیل آثار قرار دارند که احیای آنها میتواند کمک شایانی به غنای فرهنگ اسلامی، بویژه فلسفه و حکمت اسلامی نماید.

۱۰۵ آشنایی با اندیشه‌های متفکری همچون فخرالدین سماکی که بصورت بخشی از میراث فلسفی و حکمی ایران زمین در سده دهم هجری درآمده است، جز از طریق احیای آثار برجای مانده وی - همانند حاشیه شرح هدایه الحکمه امکانپذیر نیست. اگرچه حفظ و نگهداری نسخ خطی و انتقال آنها به نسلهای آینده بعنوان پیشینه فرهنگی این سرزمین خود کاری است بس پسندیده



ولیکن تا زمانی که این قبیل آثار بصورت نسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف نگهداری شوند و بصورت چاپی منقح همراه با تصحیحی انتقادی در دسترس اهل تحقیق و پژوهش قرار نگیرند و جامعه حکمی و فلسفی با اندیشه‌های مؤلفین آنها آشنا نشود، آنچنانکه بایسته و شایسته است، مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. البته امروزه برخی از کتابخانه‌ها با استفاده از ابزار تصویربرداری و رایانه، تصویری از این نسخ را در اختیار علاقمندان قرار میدهند ولی بهره‌جویی از این تصاویر تنها برای افرادی میسر است که علاوه بر تبحر کافی نسبت به رایانه، دارای دانش و تخصص لازم در امر خط‌شناسی و نسخه‌خوانی باشند تا بتوانند با صرف مدت زمانی طولانی، به توفیق مطالعه این نسخ خطی دست یابند (جوانمردی ادیب، ۱۳۹۷: ۴). نوشتار حاضر ضمن اشاره کوتاه به شرح حال حکیم فخرالدین سماکی، به معرفی آثار و بررسی برخی از ابداعات وی در زمینه براهین تناهی اجسام میپردازد.

فضای علمی و فرهنگی عصر سماکی

چهل سال حکومت نسبتاً آرام و با ثبات شاهرخ تیموری، فرصت مناسبی را برای پیشرفت کانونهای علمی و فرهنگی ایران، نظیر هرات و سمرقند و شیراز فراهم نمود بطوری که هر کدام از این شهرها پایگاهی برای رشد و بالندگی مکاتبی گردید که در ادامه قرن نهم از جنبه‌های مختلف هنری، ادبی، علمی و عمرانی دستاوردهای ارزشمندی ارائه نمودند (فیاض انوش، ۱۳۸۹: ۹۵).

حوزه علمی و فرهنگی شیراز در پایان قرن نهم و آغاز سده دهم، در پرتو وجود اندیشمندان برجسته‌یی چون ملاجلال‌الدین دوانی (وفات ۹۰۸ق) و صدرالدین محمد بن ابراهیم دشتکی شیرازی (مقتول ۹۰۳ق) و کوشش آنها در نشر علوم و تربیت طالبان علم و حکمت و کلام، اهمیت و ارزشی را که از اوان حمله مغول کسب نموده بود، همچنان حفظ نمود و چون نوبت تعلیم به امیرغیاث‌الدین منصور، استاد فخرالدین سماکی رسید، بر میزان اهمیت فلسفی



علوم بسیار افزوده شد.

اغلب آثار بجای مانده از اندیشمندان حوزه شیراز بصورت شروح و حواشی بی است که در آنها به تبیین و نقد دیدگاه اندیشمندان پیشین و همعصر خود پرداخته‌اند. از جمله این آثار میتوان از حاشیه دوانی بر شرح تجرید علاءالدین قوشچی (وفات ۸۷۹ق)؛ حاشیه شمسیه، حاشیه مطالع و حاشیه تجرید صدرالدین دشتکی، اشراق هیاکل النور غیاث‌الدین دشتکی، شرح میبیدی بر هدایه و حاشیه فخرالدین سماکی بر شرح هدایه میبیدی نام برد. علاوه بر پدید آمدن این قبیل آثار، رونق سنت مباحثه علما با یکدیگر، در دربار برخی از حکمرانان در این دوره، موجب تألیف کتبی با عنوان آداب البحت و مناظره نیز گردیده است (سید حسین زاده، ۱۳۹۴: ۴۰۹-۳۳۹).

این مقدار از ارج و مقام علمی و ادبی و حکمی حوزه شیراز مدتها بعد از این دوران، حتی در عهد سلطنت قاجاریان نیز باقی بود. در این میان با ظهور صدرالمآلهین شیرازی و استقرار حوزه تعلیمش در شیراز، این اهمیت به مرتبهٔ اعلائی خود رسید.

شرح حال و آثار قلمی سماکی

میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرآبادی معروف به محقق فخری (فرهنگستان علوم، ۱۳۸۵: ۹۹)، از جمله حکمای مشهور شیعی در قرن دهم هجری است. برخی زادگاه وی را قریهٔ سماک از توابع استرآباد دانسته‌اند و برخی شهر قزوین (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۵/۱) را که در آن روزگار پایتخت ایران بود (انوشه و دیگران، ۱۳۶۰: ۲۸۹/۹). اما این احتمال که در استرآباد بدنیا آمده باشد و در قزوین رشد و نمو یافته باشد، بیشتر است. وی پس از تکمیل مقدمات علوم و فنون ادب، به علوم عقلی پرداخته و نزد حکیم عالیقدر، میر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (وفات ۹۴۸ق)، هنگامی که در قزوین اقامت داشته، تلمذ نموده است. او همچنین فقه و اصول را نزد دیگر

۱۰۷



موسوی، نجفی‌افرا، محمدی؛ جایگاه و زمانهٔ فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفهٔ اسلامی...

عالم بنام آن دوران، محقق کرکی آموخت. گویا برای مدتی هم سماکی شیخ الاسلام سبزواری بوده است (همانجا).

از وی با القابی چون «الجلیل الفاضل، العالم العامل، خلاصة الأبرار و زبدة الأخیار» یاد شده است (الطهرانی، ۱۳۶۵: ۸۶/۲). او مورد اعتماد طلاب و مورد وثوق عالمان بوده و چنانکه نقل است شهید ثانی در حرم امیرالمؤمنین (ع) با او ملاقاتی داشته و از او خواسته بدون هیچگونه تعارفی و فقط در راه رضای خدا دربارهٔ اجتهاد وی داوری نماید و چنانچه به درجهٔ اجتهاد نایل شده به او بگوید؛ فخرالدین سماکی تصریح به اجتهاد وی نموده و شهید ثانی بسال ۹۴۷ق اجتهادش را اظهار میدارد (همانجا). فخرالدین نزد شاه طهماسب صفوی نیز مورد توجه و احترام بوده و به انجام امور دیوانی در دربار او اشتغال داشته است.

حوزهٔ درس سماکی از جمله حوزه‌های درسی پر رونق و پر بار آن دوران بوده و همه روزه عدهٔ کثیری از طلاب علوم معقول و منقول در درس او حاضر میشدند و از محضر وی بهره میبردند. میرزا سید ابراهیم حسینی همدانی معروف به قاضی‌زاده (وفات ۱۰۲۶ق) - که پدرش در همدان منصب قضا و تصدی امور شرعی را عهده‌دار بود (قمی، ۱۳۶۸: ۵۰/۳) - و نیز نورالدین محمد قاضی اصفهانی (وفات ۱۰۰۰ق)، از فقها و شعرای مشهور صفویه متخلص به «نوری»، از جمله شاگردان شناخته شدهٔ فخرالدین سماکی بوده‌اند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۸۶/۱). در برخی منابع متأخر، از میرداماد (۱۰۴۰ - ۹۶۹ق) نیز بعنوان شاگرد دیگر وی یاد شده است، اما آنچه در منابع متقدم آمده اینست که میان آن دو در دربار شاه طهماسب مناظره و گفتگویی بوده است (فرهنگستان علوم، ۱۳۸۵: ۹۹). تاریخ وفات سماکی سال ۹۸۴ق ذکر شده است. مقام والای او در حکمت و دانشهای عقلی از آثار و تألیفاتش - از جمله حاشیه شرح هدایة الحکمة میبیدی - هویداست. مهمترین آثار قلمی شناخته شده وی در منابع و فهرس عبارتند از:

۱. تفسیر آیه‌الکرسی: سماکی تألیف این اثر را بسال ۹۵۲ق به زبان فارسی، بر مشرب اهل فلسفه و کلام به پایان رسانده و به شاه طهماسب صفوی



تقدیم نموده است. در فهرست دست‌نوشته‌های *ایران* (دنا) سیزده نسخه از این اثر متعلق به کتابخانه‌های مختلف فهرست شده است (درایتی بیتا: ۱۰۷/۳-۱۰۶). تفسیر *آیه‌الکرسی* تنها اثر فخرالدین است که تاکنون بصورت چاپ حروفی منتشر گردیده است (بهاردوست، ۱۳۸۸). وی پس از بیان فضیلت قرائت *آیه‌الکرسی* و ذکر ده فایدهٔ مستفاد از آن - تحت عنوان «عشرة كاملة» که در باب واجب‌الوجود و صفات ایجابی و سلبی اوست - به شرح مفردات آیه پرداخته است.

۲. آداب البحث و المناظره: رساله مختصری است در بیان چگونگی بحث و جدل و مناظره - بسان شاخه‌یی از علم منطق - و دارای مثالهای تطبیقی در مغالطه برای تمرین مبتدیان که در سال ۹۵۸ق بنا به درخواست بعضی از عزیزان و سایر محصلین از وی نگاشته شده است. در فهرست دست‌نوشته‌های *ایران* (دنا) پنجاه و چهار نسخه از این اثر متعلق به کتابخانه‌های مختلف فهرست شده است (درایتی، بیتا، ۲۶-۲۷/۱؛ تبریزی، ۱۴۳۳: ۱۰۵) که نسخه شماره ۱۸۳۹۴ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی بخط مؤلف است.

۳. حاشیه بر حاشیه (شرح) محقق دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی:

تهذیب المنطق اثر مشهور سعدالدین تفتازانی (۷۹۲ - ۷۲۲ق) از علما و منطقدانان بزرگ قرن هشتم هجری است که جلال‌الدین دوانی (۹۷۰ - ۸۳۰ق) حاشیه‌یی مشهور بر آن نگاشته است. حاشیهٔ سماکی بر حاشیهٔ (شرح) دوانی، تا پایان مبحث کلیات خمس را شامل میشود. وی غرض از نگارش این حاشیه را آشکار نمودن مطالب پنهان و کشف اسرار آن - بوسیلهٔ توضیح آنچه گفته شده و بیان حال، همراه با اشاره به آنچه سید سند افاده کرده است و نیز بهمراه آنچه به فکر و نظرش میرسد - دانسته که در حاشیه (شرح) دوانی بدلیل غایت ایجاز و نهایت معماگونه بودنش، معنای آن در پوشش الفاظ پنهان گردیده است. تاریخ تألیف این اثر در نسخهٔ ۱۸۳۹۴ کتابخانهٔ مجلس شورای

اسلامی به خط مؤلف سال ۹۵۳ هـ. ق ذکر گردیده است. در فهرست دست نوشته‌های *ایران* (دنا) هشت نسخه از این اثر متعلق به کتابخانه‌های مختلف فهرست شده است (درایتی، بیتا، ۱۷۰/۴).

۴. حاشیه بر شرح تجرید قوشچی: تجرید الاعتقاد از جمله آثار معروف فلسفی و کلامی خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ق) است که از بدو نگارش در قرن هفتم مورد توجه بسیاری از علما قرار گرفت. شرح قوشچی بر تجرید خواجه نصیر که بعنوان شرح جدید تجرید شناخته میشود، یکی از معتبرترین شروح این اثر است. سماکی بر هر بخش این شرح، حواشی جداگانه‌یی نگاشته که تاکنون سه حاشیه از وی شناسایی شده است: نخست، حاشیه بر مبحث ماهیت و علت و معلول (امور عامه)؛ دوم، حاشیه بر مبحث جواهر و اعراض که تحت عنوان «حاشیة الجواهر» شناخته میشود و با محاسبه ابجدی حروف عنوان، سال تألیف این اثر ۹۶۵ق دانسته شده است؛ سوم، حاشیه بر مقصد سوم شرح تجرید در اثبات صانع و صفات آن که تحت عنوان «اثبات الله» شناخته میشود و با محاسبه ابجدی حروف عنوان، سال تألیف آن ۹۴۱ق است. در فهرست دست‌نوشته‌های *ایران* (دنا) سه نسخه از حاشیة امور عامه، نه نسخه از حاشیة الجواهر و بیست و هشت نسخه از اثبات الله متعلق به کتابخانه‌های مختلف فهرست گردیده است (همان: ۲۴۸/۴ - ۲۴۷).

۵. حاشیه بر الفوائد الضیائیة جامی: کتاب الفوائد الضیائیة شرحی است که عبدالرحمان جامی در قرن نهم هجری برای مطالعه فرزندش ضیاءالدین یوسف - که در آن زمان به تحصیل مقدمات زبان عربی اشتغال داشته - بر کتاب کافیه ابن‌الحاجب نگاشته است. سماکی حاشیه‌یی بر این کتاب نحوی ۱۱۰ بنام ملاذ الأكابر و الأعلیٰ محمود نوشته است. یک نسخه از این اثر، بشماره ۳۰۴۲/۱ بدون تاریخ کتابت و به خط نستعلیق، در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی فهرست شده است (همان: ۳۴۵/۴؛ حسینی، ۱۳۷۱؛ ۲۵۲/۸).

۶. حاشیه بر مواقف ایجی: کتاب مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی بر آن، از جمله کتب تأثیرگذار در حوزه فلسفه و کلام اسلامی



است که فخرالدین سماکی علاوه بر نقل مطالب مختلف از این دو اثر، حاشیه‌یی مستقل نیز بر مطالب مسلک چهارم *مواقف* که در باب برهان وجوب و امکان و متعلقات آن است، نگاشته که طبق بیان خود، درصدد است مواردی را که صاحب *مواقف* دچار لغزش قدم و طغیان قلم شده است، نشان بدهد. نسخه‌یی از این اثر بشماره ۱۲۴۰-۵ در کتابخانه و مرکز اسناد ملی ایران موجود است.

۷. *حاشیه بر شرح هدایة الحکمة میبیدی*: کتاب *هدایة الحکمة* تألیف اثیرالدین ابهری (وفات ۶۶۳ هـ. ق) در سه قسم منطق، طبیعیات، و الهیات سامان یافته است. این کتاب بدلیل بیان اجمالی و دقیق اهم مطالب منطقی و طبیعی و الهی، از بدو نگارش در حوزه‌های درسی مورد توجه اساتید فن و طلاب علوم عقلی واقع شده است. از همینرو دارای شروح و حواشی متعددی است. شرح کمال‌الدین میبیدی بر دو قسم طبیعیات و الهیات از جمله مهمترین شروح این اثر است.^(۱) سماکی بر قسمتی از طبیعیات شرح *هدایة الحکمة* میبیدی حواشی نگاشته است. در فهرست دست‌نوشته‌های *ایران* (دنا) هفتاد و شش نسخه از این اثر متعلق به کتابخانه‌های مختلف فهرست گردیده است (درایتی، بیتا: ۱۷۰/۴).

البته دو اثر دیگر بنام *الجوابات* (طهرانی، ۱۳۶۵: ۸۶/۲) و *حاشیه بر روض الجنان* (تبریزی، ۱۴۳۳: ۱۷۰) نیز به وی منتسب گردیده که هنوز صحت انتساب آنها برای نویسندگان این سطور محرز نیست؛ شاید ناشی از خلط اسامی اشخاص باشد.

نقش *هدایة الحکمة* و شروح و حواشی آن در تطوّر حکمت اسلامی

۱۱۱ *هدایة الحکمة* رساله‌یی است مختصر از اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری شاگرد فخررازی - که در سه قسم منطق، طبیعیات و الهیات تدوین یافته است. این رساله از بدو نگارش، بدلیل اختصار، جامعیت، سادگی و روانی بیان مطالب، جایگاه ویژه‌یی در میان کتب حکمی یافته است. با نظر به عنوان کتاب - *هدایة الحکمة* - و همچنین سفارش مؤلف در بخش پایانی آن مبنی بر اینکه «هرکس



طالب تحقیق بیشتر و دانستن تفصیلی مطالب است، به آثار شیخ‌الرئیس و شیخ‌اشراق که بمثابة کبریت احمرند در این علم، رجوع نماید»، میتوان گفت: مقصود مؤلف از نگاشتن این اثر، علاوه بر آشنایی اجمالی دانش‌پژوهان با مطالب حکمی، درآمد و مدخلی بوده برای کسانی که میخواستند بطور تفصیلی و تخصصی وارد مباحث حکمی شوند.

در ارزش و اهمیت *هدایة الحکمة* همین بس که توانسته بیش از هفتصد سال جایگاه خود را بعنوان یک کتاب معتبر درسی در شرق و غرب جهان اسلام حفظ نماید و حکما و علمایی که در خلال این قرن‌ها از ایران، هند، ماوراءالنهر، بلاد عثمانی و سرزمینهای عربی برخاسته‌اند، بارها شروح و حواشی‌یی آکنده از مطالب دقیق و عالی، بر تمام یا بخشی از آن نوشته‌اند که برخی از این شروح ده‌ها بار حاشیه خورده است. اینها همه، حکایت از نقش کم‌نظیر این کتاب در حوزه مطالعات فلسفی و استقبال کم‌سابقه حکما و علما از آن دارد.

ظاهراً قدیمیترین شرح *هدایة الحکمة* متعلق به علامه حلی - شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی - است که احتمالاً شاگرد خود ابهری نیز بوده است. نسخه خطی این شرح در دانشگاه استانبول موجود است. از جمله شروح و حواشی معروف دیگر تا پیش از شرح میبدی، میتوان از: (۱) شرح شمس‌الدین محمد بن مبارکشاه جنگی معروف به شرح میرک بخاری، (۲) شرح احمد بن محمود خرزبانی معروف به شرح ملازاده هروی، (۳) شرح سید محمد حسینی جرجانی - فرزند میرسید شریف - معروف به *حل الهدایة*، (۴) حاشیه قاضی‌زاده رومی بر شرح ملازاده هروی (۵) حاشیه (شرح) شمس‌الدین محمد خفری حکیم معاصر^{۱۱۲} فخرالدین سماکی، یاد کرد (ثبوت، ۱۳۷۷: ۱۵۰-۱۳۵).

شرح قاضی کمال‌الدین میبدی - شاگرد ملاجلال‌الدین دوانی - بر *هدایة الحکمة* که بنام خود وی نیز شهرت یافته (شرح میبدی)، از جمله مهمترین شروحي است که بر دو قسم طبیعیات و الهیات *هدایة الحکمة* نگاشته شده

است. میبیدی در ایام تحصیل خود نکاتی را در شرح و تبیین اکثر کتابهایی که مطالعه مینموده، نگاشته تا بدینسان موجب روشنی مطالب این متون برای کسانی گردد که بعدها بدانها مراجعه مینمایند. کتاب *هدایة الحکمة* ابهری نیز یکی از آن کتابهاست. آنچه او را در نگاشتن شرحی مستقل بر این کتاب بعنوان اولین تصنیف خود در عنفوان جوانی - با وجود مشغله‌های فراوان - مصمم نموده، درخواستهای مکرر حکمت‌آموزانی بوده که به قرائت آن نزد وی آمد و شد داشته‌اند و مطالب این کتاب را همراه با نکاتی که او هنگام تحصیل بر آن یادداشت نموده، می‌آموختند (جوانمردی ادیب، ۱۳۹۷: ۶۹).

این شرح نیز همانند خود *هدایة الحکمة*، مورد اقبال بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه علوم عقلی و فلسفی قرار گرفته بطوری که ده‌ها بار حاشیه خورده و سالیان متمادی بعنوان یک دوره جامع فلسفه اسلامی به طالبین علوم عقلی و حکمی تدریس شده است. حاشیه فخرالدین سماکی - شاگرد غیاث‌الدین منصور دشتکی - از جمله حواشی معروف شرح *هدایة الحکمة* میبیدی است. حکیم صدرالمآلهین در شرح *هدایة* خویش بارها از آراء این شارح (میبیدی) و محشی (سماکی) یاد کرده است. او از حاشیه سماکی بر شرح *هدایة الحکمة* میبیدی با عنوان «الحواشی الفخریة» نامبرده است (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۲۵۰/۱).

حاشیه سماکی بر شرح *هدایة الحکمة* میبیدی

حواشی فخرالدین سماکی شامل مقدمه شارح و دو فن از فنون سه‌گانه طبیعیات شرح *هدایة الحکمة* است:

- در مقدمه شارح به مطالبی چون تعریف حکمت و اقسام آن، دلیل اعراض مؤلف *هدایة* از پرداختن به حکمت ریاضی و حکمت عملی، اعراض شارح از شرح بخش منطق *هدایة* و بیان ابواب *هدایة* و ترتیب آنها پرداخته شده است.

- در فن اوّل - که دربارهٔ اموری است که بطور عام با اجسام مرتبط است و ده فصل را دربرگرفته - به مطالبی چون ابطال جزء لایتجزی، اثبات هیولی، تلازم ماده و صورت، اثبات صور نوعیه، مکان، حیّز، شکل، حرکت و سکون و زمان پرداخته شده است.

- در فن دوّم - که دربارهٔ فلکیات است و هشت فصل را دربرگرفته - به مطالبی چون قابلیت فلک برای حرکت مستدیر، عدم قبول کون و فساد و خرق و التیام فلک، دائمی بودن حرکت مستدیر فلک، ارادی بودن حرکت فلک، مجرد بودن نیروی محرکهٔ فلک از ماده و محرک قریب بودن قوهٔ جسمانی برای فلک پرداخته شده است. ظاهراً سماکی قصد داشته حواشی را تا پایان شرح هدایه/الحکمه ادامه دهد ولی توفیق آن را نیافته است، چنانکه در انتهای آخرین حاشیهٔ خود بر طبیعیات مینویسد:

والحمد لله على التوفيق لإتمام الفلکیات و منه الاستعانة لتحقيق
الفنون الباقية، إنه الموفق و نعم المعین.

در مجموع سماکی بر مقدمهٔ شارح و هجده فصل نخستین شرح هدایه/الحکمه میبندی بیش از چهارصد فقره حاشیه کوتاه و بلند نگاشته است که بازگشت برخی از این حواشی به کلام ماتن و برخی دیگر به کلام شارح است، البته حجم حواشی متعلق به کلام شارح بیش از حواشی متعلق به کلام ماتن است. همچنانکه خود محشی (سماکی) در دیباچهٔ آغازین این اثر تصریح کرده اغلب این حاشیه‌ها در ردّ و احکام و نقض و ابرام مطالب ماتن (اثیرالدین ابهری) و شارح (کمال‌الدین میبیدی) است و در برخی موارد تحقیقاتی نیز بدان مطالب افزوده که در تألیفات متقدمین و متأخرین بیان نشده است.

سماکی در دیباچهٔ حاشیه پس از حمد و سپاس خداوند متعال و درود بر پیامبر گرامی اسلام (ص)، خود را «محمد بن حسین معروف به فخرالدین حسینی» معرفی نموده است. سپس شرح هدایه/میبیدی را بلحاظ جایگاه و شهرتش به خورشید

نیمروزی تشبیه کرده که در وسط آسمان قرار گرفته است که این خود حکایت از دایره شمول و محوریت این کتاب در بین سایر کتب فلسفی از نظر محشی دارد. پس از آن، درباره انگیزه نگارش این حاشیه بر شرح هدایه میبیدی گفته است:

من در گذشته نکات دقیق و ارزشمند این شرح را دیده بودم و اجمال و تفصیل آن را مورد بررسی قرار داده بودم تا اینکه در مباحثات متعدد مواردی از ردّ و احکام و نقض و ابرام در برخی از مسائل برایم آشکار گشت، از اینرو تذکره‌یی نوشتم و آنچه را که در ابتدای امر به نظر و فکر رسیده بود در آن آوردم. اما بخاطر عدم مساعدت زمان، فرصتی برایم پیش نیامد تا آن را از چرکنویس به پاکنویس انتقال دهم از اینرو فراموش نمودم. اما هنگامی که توجه کسانی را که نزد من مشغول خواندن این شرح بودند و رجوع آنان را در جرح و تعدیل بخود دیدم، خواستم آنچه را که قبلاً بطور اجمال نوشته بودم، تفصیل دهم و توضیحاتم بگونه‌یی باشد که ملال‌آور نباشد و تحقیقاتی را بدان اضافه کنم که تألیفات متقدمین و مدوّات متأخرین خالی از آنهاست، تا با وجود خاطری آشفته و احوالی نامساعد، تذکره‌یی باشد برای یاران و تبصره‌یی باشد برای طلاب صاحب اندیشه؛ درحالی که از خداوند میخواستم مرا هدایت نموده و از ابتدا تا انتها از لغزش مصون دارد. همانا اوست که توفیق رسیدن به صدق و صواب را میدهد و شایسته است رجوع به او در هر امری.

در این عبارات چند نکته حائز اهمیت است: اوّل جایگاه و اشتهار کتاب شرح هدایه میبیدی، دوم نگاشتن مطالب ابتدایی که در حین مباحثه برای ۱۱۵ سماکی بصورت ردّ و احکام و نقض و ابرام پیش آمده، بصورت اجمال، سوم تکمیل مطالب اجمالی ابتدایی بصورت تفصیلی همراه با تحقیقات خود وی که در کتب متقدمین و متأخرین نبوده است.

نحوه پرداختن سماکی در حاشیه بر مباحث هدایه الحکمه را میتوان



موسوی، نجفی‌افرا، محمدی؛ جایگاه و زمانه فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفه اسلامی...

اینگونه دسته‌بندی نمود: ۱) افزودن کلمات و عبارات توضیحی برای تبیین بهتر کلام ماتن و شارح، ۲) رفع ابهامات از کلام ماتن و شارح و جلوگیری از کج‌فهمیها، ۳) پیشنهاد تعبیر بهتر و مناسبتر، ۴) اشاره به وجود دیدگاههای دیگر، ۵) داوری در باب دیدگاههای مختلف، ۶) بررسی اشکالات و اعتراضات مطرح شده و پاسخ آنها، ۷) اظهار نظر درباره برخی از مباحث.

آنچه میتواند بیانگر احاطه علمی سماکی در این اثر باشد، عبارتند از: اولاً، به روز بودن آگاهی وی از آراء حکمای معاصر درباره مباحث عنوان شده همچون آراء خفری و میرسید شریف، ثانیاً، بیان مطالب مرتبط با مسائل مورد بحث از کتب دست اول فلسفی و کلامی همچون *شفاء و اشارات ابن‌سینا*، *شرح اشارات و المباحث المشرقیه فخررازی*، *شرح اشارات و تجرید العقائد* خواجه نصیرالدین طوسی، *محاکمات و شرح مطالع قطب‌الدین رازی*، *مواقف ایچی*، *شرح مواقف میرسید شریف*، *شرح حکمة العین میرک بخاری*، *المعتبر ابوالبرکات بغدادی*، *شرح هیاکل‌النور غیاث‌الدین دشتکی*، *شرح تجرید علامه قوشچی*، *حاشیه دوانی بر شرح تجرید قوشچی*، *شرح الملخص کاتبی*، *حکمة الإشراف و مطارحات سهروردی*، *شرح حکمة الإشراف قطب‌الدین شیرازی*.

علاوه بر منابع مذکور، سماکی در چند مورد با نظر به حاشیه‌هایی که میدی بر شرح خود نگاشته به بیان مطالب پرداخته است؛ همچون: «قال فی الحاشیه: المناسب أن يقول الأمور وإلّا لتوجه النقض بالکرة المصمتة». وی همچنین در برخی موارد برای تکمیل بیان خویش به حاشیه خود بر شرح *تجرید العقائد قوشچی* ارجاع داده است؛ همچون: «فی کونهما غیر متناهیین کلام مشهور مذکور فی شرح التجرید فی مبحث العلة والمعلول وحواشیه».

سماکی درباره مسائل مورد اختلاف، کوشش میکند همه دیدگاهها و آراء متقابل را با شیوه نقض و ابرام مورد تحلیل قرار دهد و در نهایت، صحیح یا صحیحترین آنها را برجسته و تبیین نماید و در برخی موارد نظریه‌یی نو و بدیع ارائه دهد. از جمله

این موارد براهینی است که بر اثبات تناهی ابعاد اقامه نموده است. سماکی در اینباره چهار برهان ابداع کرده که یکی از آنها تقریر متفاوتی از برهان سلّمی است بگونه‌یی که قابل مناقشه نباشد، و سه دیگر استنباط و استخراج شخصی اوست که خود آنها را بنامهای «برهان تحریک»، «برهان مساوات» و «برهان اعظمیت» یعنی بزرگتر از خود بودن، نامیده است (جوانمردی ادیب، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۸۹). ما در اینجا ابتدا به نظریات مختلفی که درباره نحوه اثبات تناهی ابعاد با برهان «سلّمی» مطرح شده اشاره میکنیم و سپس خلاصه براهین ابداعی سماکی را می‌آوریم.

یکی از براهینی که به قدمای فلاسفه نسبت داده شده برهان سلّمی است. این برهان را ابن‌سینا نقل کرده و آن را ناتمام دانسته و سپس خودش با افزودن مقدماتی آن را تکمیل نموده و خواجه نصیرالدین طوسی نیز آن را در چهار مقدمه تنسیق و تنظیم کرده است (ابن‌سینا: ۱۴۰۴، ۲۱۴؛ طوسی، ۱۳۷۵: ۷۰):

۱. اگر وجود ابعاد نامتناهی ممتنع نباشد، میتوان از یک نقطه واحد، دو خط نامتناهی بصورت دو ضلع مثلث - که پیوسته فاصله آنها افزوده شود - امتداد داد.
۲. میتوان میان این دو خط ابعادی فرض کرد که پیوسته به یک نسبت افزایش یابد.

۳. جایز است بین این دو امتداد، ابعاد افزایشده از یک واحد تا بینهایت حاصل شود و افزایش تفاوت ابعاد غیرمتناهی نیز قابل تحقق باشد.
۴. هر بعدی که میان این امتداد فرض شود - علاوه بر مقداری که بر آن افزوده میشود - باید مشتمل بر امتداد بعد قبلی نیز باشد.

سپس با توجه به این مقدمات میتوان پذیرفت که یک بعد واحد، مشتمل بر همه افزایشهای نامتناهی مادون خود، موجود باشد که محدود و محصور بین دو حدّ است؛ این یعنی محصور غیر متناهی بین حاصرین که مستلزم تناقض و باطل است. اما قطب‌الدین رازی صاحب محاکمات، برهان سلّمی را ناتمام نمیداند و آن را با تمثیل «تُرس» (سپر) توجیه مینماید؛ با این بیان:

اگر ما یک جسم مستدیر (عالم) - مانند سپر- را به شش قسم مساوی

۱۱۷



تقسیم کنیم و آن خطوط را تا بینهایت امتداد دهیم، وسعت و بُعد عالم به شش قسمت تقسیم خواهد شد. در این صورت هر دو خط در آن (جسم)، بصورت دو ضلع مثلث امتداد پیدا میکند، زیرا زاویه آن، دو سوم قائمه است. پس در هر نقطه‌یی میان آن دو خط - که فرض کنیم - دو زاویه متساوی حاصل خواهد شد و بنابراین، یک مثلث متوازی الاضلاع خواهیم داشت. از این بیان معلوم میشود که فاصله بین هر دو خط، به اندازه امتداد آنهاست. پس اگر امتداد آن خطوط غیر متناهی باشند، مجموع قطعات ششگانه جسم نیز غیر متناهی خواهد بود و لازمه آن، وقوع بُعد نامتناهی بین دو حد است که باطل است.

اما از نظر سماکی این توجیه قابل قبول نیست، زیرا با شرط فرض جسم مستدیر در استدلال، برهان سلمی به برهان تُرسی تبدیل میشود، در صورتی که هریک از این دو، برهان مستقلی هستند؛ از اینرو خود تقریر دیگری ارائه میدهد.

براهین ابداعی سماکی در اثبات تناهی ابعاد

۱. برهان سلمی با تقریر متفاوت و غیر قابل مناقشه: اگر بعدی از هر دو طرف نامتناهی باشد، میتوان یک خط نامتناهی از یک نقطه خاص امتداد داد و نیز خط نامتناهی دیگری را هم از همان نقطه، بگونه‌یی امتداد داد که در مجاور نقطه و مواضع بالاتر، زاویه دو سوم قائمه حاصل شود. حال میگوییم: چون دو خط بالفعل نامتناهی هستند، پس بُعد بین آنها نیز واقعاً نامتناهی خواهد بود که مستلزم تناقض و باطل است.

۱۱۸ ۲. برهان تحریک: اگر بُعد غیر متناهی باشد میتوانیم از یک مبدأ معین مانند نقطه «آ»، خطی تا بینهایت ترسیم کنیم که ما آن را خط «آج» مینامیم و دوباره از همان نقطه «آ» خط کوتاهی عمود بر خط «آج» ترسیم میکنیم و آن را خط «آب» مینامیم. سپس از نقطه «ب» یک خط نامتناهی دیگری با نام خط «ب د» مساوی با خط «آج» امتداد میدهیم.



حال میگوییم: اگر- برفرض - خط «ب د» برخلاف جهت نامتناهی، به اندازه ده سانتیمتر مثلاً - حرکت کند، یک قطعه از آن به اندازه ده سانتیمتر زیر خط عمود قرار خواهد گرفت. حال اگر ما محل تلاقی خط «ب د» با رأس خط عمود را نقطه «ه» معین کنیم، معلوم میشود که خط «ه د» از خط «آج» که غیرمتناهی و مساوی با خط «ب د» است، بهمین اندازه کمتر خواهد بود و در نتیجه لازم می‌آید که خط «آج» متناهی باشد، زیرا از یک خط متناهی (خط ه د) به اندازه متناهی بیشتر است.

۳. **برهان مساوات:** اگر بُعد غیر متناهی باشد لازم می‌آید «کل» با جزء خودش و جزء جزئش مساوی باشد که بطلان آن بدیهی است، زیرا اگر بُعد نامتناهی باشد، میتوان در آن، اجزاء معین غیر متناهی فرض کرد، به این ترتیب که از مبدأ - مثلاً - ۱۰ سانتیمتر جدا میکنیم، بدون تردید باقیمانده آن داخل در کل و نامتناهی است و سپس ۱۰ سانتیمتر دیگر جدا میکنیم؛ باز باقیمانده آن، داخل در کل و نامتناهی است. پس هر یک از اجزاء با جزء دیگر و همچنین با «کل» باید مساوی باشد. در غیر اینصورت لازم می‌آید متناهی باشد که خلاف فرض است.

۴. **برهان اعظمیت:** اگر بعد غیر متناهی باشد لازم می‌آید یک شیء از خودش چند برابر بزرگتر باشد، زیرا میدانیم که «کل بزرگتر از جزء خود است». اما با فرض وجود بعد غیر متناهی، لازم می‌آید که جزء جزء و جزء جزء و ... با کل برابر باشد؛ چنانکه در برهان مساوات ثابت کردیم. حال میگوییم چون بزرگتر از یکی از دو متساوی، بزرگتر از متساوی دیگر است، پس کل بزرگتر از خودش هم هست. حاصل اینکه، از ترکیب دو مقدمه بدیهی - یعنی «کل بزرگتر از جزء خود است» و «بزرگتر از یکی از دو متساوی، بزرگتر از متساوی دیگر است» - نتیجه میگیریم که در صورت وجود بُعد غیر متناهی لازم می‌آید که یک شیء بزرگتر از خودش باشد. سماکی این برهان را «برهان اعظمیت» یعنی بزرگتر از خود نامیده است.

او در ادامه، همه براهین اثبات متناهی اجسام را استقصاء میکند و تعداد آنها را مجموعاً به بیست و یک برهان میرساند. چهار برهان از آن خود سماکی

۱۱۹



است، پنج برهان - منهای برهان سلمی- در شرح هدایه نقل شده، یک برهان به غیث‌الدین منصور دشتکی، یک برهان به سمرقندی و دو برهان هم به بعضی اعلام - که ظاهراً علامه خفری است - نسبت داده شده، بعلاوه هشت برهان مصطلح که معمولاً در آثار فلسفی نقل میشوند و عبارتند از: برهان عرشی، برهان موازات، برهان تطبیق، برهان تلاقی، برهان تخلّص، برهان تخلّصین، برهان مسامته و برهان مسامتین. هر یک از این براهین در متن حاشیه بتفصیل مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است.^(۲)

آنچه پس از مطالعه و تحقیق آثار حکمی و فلسفی فخرالدین سماکی بنظر میرسد اینست که حاشیة وی بر مباحث طبیعی و فلکی شرح هدایة/الحکمة میبیدی و حاشیة وی بر مباحث الهیات بالمعنی الأعم و الهیات بمعنی الأخص شرح تجرید العقائد قوشچی مکمل یکدیگرند، بطوری که شاید علت نپرداختن سماکی به مباحث قسم سوم شرح هدایة/الحکمة درباره الهیات همین وجود حاشیه‌هایی باشد که بر شرح تجرید العقائد قوشچی داشته و در چندین مورد بدانها استناد جسته است.

نتیجه‌گیری

تعاطی افکار از شرایط اساسی رشد اندیشه‌ها بشمار می‌آید و غنای فکر و رشد فرهنگ در نتیجه نوعی تعامل و برخورد اندیشه‌ها حاصل میگردد. سماکی همانند اغلب حکمای حوزه شیراز از طریق حاشیه‌نویسی بر آثار معروف حکمی و کلامی شناخته شده، اندیشه‌ها و آراء خاص خود را بیان نموده و در برخی موارد علاوه بر نقد و نظر، ابداعات فکری نیز داشته است که ۱۲۰ نمونه آن تقریر منحصر بفرد براهین او در باب اثبات تناهی اجسام است.

وی اگرچه بنیانگذار مکتب خاص فلسفی و کلامی نبوده ولی با بیان نقد و بررسیهای دقیق و اظهار نظرهای خاص خود در موضوعات مورد بحث از منظر متکلمان و حکما و عرفا توانسته - بعنوان حلقه واسط - علاوه بر نقش بسزایی که در تطور حکمت اسلامی و نزدیک شدن مشارب مختلف فکری تا زمان خود داشته -



الهامبخش صدرالمتألهین در ظهور حکمت متعالیه نیز باشد. بدینسان نقش وی در تطور و غنای فرهنگ و حکمت اسلامی رفیع و کم‌نظیر است.

پی‌نوشتها

۱. شرح هدایة الحکمة میبیدی بعنوان رساله دکتری آقای علیرضا جوانمردی ادیب با استفاده از شش نسخه خطی مورد تصحیح انتقادی قرار گرفته و نسخه‌یی از آن در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی نگهداری میشود.
۲. این تحقیق با نظر و تطبیق شش نسخه خطی از حاشیه شرح هدایة الحکمة سماکی صورت گرفته که یک نسخه آن چاپ سنگی، دو نسخه متعلق به دانشگاه تهران، یک نسخه متعلق به کتابخانه مروی و یک نسخه متعلق به کتابخانه ملی است.

منابع

۱. ابن‌سینا (۱۴۰۴ق) *الشفاء، الطبيعيات، تصحيح سعيد زائد، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.*
۲. الطهرانی (آغابزرگ)، محمدحسن (۱۳۶۵) *الذريعة الى تصانيف الشيعة، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.*
۳. انوشه، حسن؛ حائری قزوینی، سیدمهدی؛ زریاب خویی، عباس؛ مشایخ فریدنی، محمدحسین؛ رجاوند، پرویز (۱۳۶۰) *دائرة المعارف تشیع، جلد ۹، تهران.*
۴. بهار دوست، علیرضا (۱۳۸۸) «تفسیر آیه الکرسی میر فخرالدین حسین حسینی استرآبادی»، *مجله آفاق نور، شماره ۹، ۳۹۵-۴۴۸.*
۵. تبریزی، علی بن موسی ثقه الاسلام (۱۴۳۳ق) *مرآة الکتب، قم: کتابخانه آیت‌الله ۱۲۱ مرعشی نجفی.*
۶. ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲) *تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.*
۷. ثبوت، اکبر (۱۳۷۷) «هدایة الحکمة و شروح آن»، *خرد جاویدان (جشن‌نامه سیدجلال‌الدین آشتیانی)*، بکوشش علی اصغر محمدخانی و حسن سید عرب، تهران: نشر فروزان روز.



موسوی، نجفی‌افرا، محمدی؛ جایگاه و زمانه فخرالدین سماکی در تاریخ فلسفه اسلامی...

۸. جوانمردی ادیب، علیرضا (۱۳۹۷) *تصحیح انتقادی شرح هدایة الحکمة قاضی کمال‌الدین حسین بن معین‌الدین میبیدی*، رساله دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۹. حسینی، سیداحمد (۱۳۷۱) *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی*، زیر نظر سیدمحمود مرعشی نجفی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۰. درایتی، مصطفی (بی‌تا) *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، مشهد: مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.
۱۱. سیدحسین‌زاده، هدی (۱۳۹۴) *تاریخ فراموش شده ایران در دوره سلطان یعقوب آق‌قویونلو*، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۲. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۵) *شرح الاشارات و التنبیها*، قم: نشر البلاغه.
۱۳. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی (۱۳۸۵)، *جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی، مجموعه مقالات و گفتارها*، تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی.
۱۴. فیاض انوش، ابوالحسن (۱۳۸۹) «میرحسین میبیدی (مقتول ۹۱۱ ق) یک بازشناسی تاریخی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، سال ۲، شماره ۳ (پیاپی ۷).
۱۵. قمی، عباس (۱۳۶۸) *الکنی و الالقاب*، جلد ۳، طهران: مکتب الصدر.
۱۶. ملاصدرا (۱۳۹۳) *شرح هدایة الأثریة*، تصحیح مقصود محمدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.